

گاهنامه هنر و مبارزه

6 نوامبر 2011

[اهداف تازه برای تجاوزات آمریکا عبارتند از ایران و سوریه]

ایالات متحده نیروهای نظامی اش
را در خلیج فارس تقویت می کند
تا خارج ساختن نیروهایش را در عراق جبران کند

نوشته بیل وان اوکن
ترجمه توسط حمید محوی

par Bill Van Auken



Mondialisation.ca, Le 4 novembre 2011
wsws.org

دولت اوباما و پنتاگون برای تقویت فوق العاده نیروهای نظامی در خلیج فارس طرح ریزی می کنند و به این ترتیب در پی جبران خروج نیروهایشان از عراق بوده و برای بر پا کردن جنگ های تازه دیگری در منطقه آماده می شوند.

مقامات، دیپلمات ها و فرماندهان آمریکایی یادشده در مقاله منتشره روز یکشنبه توسط نیویورک تایمز حاکی از این امر است که گسترش نیروها شامل پایگاه برای بریگادهای جنگی در کویت، در آن سوی مرز عراق و در فاصله ای که به راحتی وارد آوردن ضربه به ایران را فراهم ساخته و «گسیل شناورهای جنگی از طریق آب های بین المللی را امکان پذیر سازد.»

وجود چنین طرحی پس از بیانیه رئیس جمهور بارک اوباما در 21 اکتبر آشکار شد، که خروج تمام نیروهای آمریکایی در عراق را در پایان همین سال اعلام کرده بود.

در حالی که دولت اوباما و طرفدارانش طرح خارج ساختن نیروها را به عنوان تحقق قول انتخاباتی برای رئیس جمهور دموکرات، و پایان جنگ در عراق و حتی به عنوان چرخشی به سوی صلح در منطقه معرفی می کنند، ولی در واقع به هیچ عنوان چنین نیست.

در واقع، تاریخ آخرین مهلت برای خروج نیروها در دسامبر 2011 است که توسط دولت بوش بر اساس «موافقت نامه وضعیت نیروها» که در سال 2008 با رژیم بغداد که از سوی ایالات متحده حمایت می شد، تعیین شده بود. دو دولت بوش و اوباما، در کنار دولت دست نشانده شان در بغداد سعی کردند موافقت نامه تازه ای را به امضا رسانند که اجازه می دهد تا 20000 از نیروهای آمریکایی به عنوان «مربی» و «مشاور» در عراق باقی بمانند.

با این وجود چنین مذاکراتی با شکست مواجه شده است زیرا دولت عراق قادر به کسب موافقت پارلمان مبنی بر پذیرش مصونیت قضایی یگان های آمریکایی نیست که پنتاگون روی آن پا فشاری می کند. با توجه به خشم عمیقی که مردم عراق علیه جنایات شنیع جنگی ابراز می دارند که نیروهای آمریکایی مرتکب شده اند و مرگ بیش از یک میلیون عراقی از تاریخ اشغال کشورشان در سال 2003، هیچ حزب مستقل عراقی حاضر به تأیید مصونیت قضایی ارتش آمریکا نیست. در رهروهای پشت پرده، مذاکرات بین واشینگتن و دولت عراق روی موضوع حفظ یگان های آمریکایی برای نیروهای امنیتی عراق ادامه دارد.

تام دونیلون، مشاور امنیت ملی ایالات متحده روز شنبه در واشینگتن با هم کار عراقی اش فلاح فایت برای حفظ مراوداتشات پس از خروج نیروها ملاقات و گفتگو کردند. بر اساس بیانیه کاخ سفید، هر دو مسئول «روی دیدگاه مشترک و هم کاری های عمیق و گسترده بین ایالات متحده و عراق به همان شکلی که در موافقت نامه در چهار چوب استراتژیک پیشبینی شده بود، به توافق رسیده اند.»

سخن گوی کاخ سفید اضافه کرد که هر دو مسئول «در گسترده ساختن ساخت و سازهای فوق العاده در چشم انداز گفتگوهای استراتژیک بین ایالات متحده و عراق مصمم بوده اند.»

واشینگتن به هیچ عنوان از تلاش برای تسلط بر عراق دست نکشیده است. ایالات متحده بر آن است تا نیرویی معادل 5500 کارمند امنیتی خصوصی به عنوان ارتش مزدور (ارتش مرسونر) که تحت کنترل دولت ایالات متحده آمریکا باقی خواهند ماند، و 16000 کارمند غیر نظامی سکنی داده شده در بزرگترین سفارت خانه آمریکا در جهان را در عراق حفظ کند.

یکشنبه گزارش منتشر شده توسط بازرس ویژه آمریکایی برای بازسازی عراق، به نقل از رئیس مرکز فرماندهی ارتش عراق، «سپهد باباگر بدرخان شوکت زیباری» می گوید که نیروهای امنیتی عراق «بدون کمک و هم کاری بین المللی» تا سال 2020 یا 2024 قادر به دفاع از آسمان و مرزهای کشور نخواهد بود.



سپهد باباگر بدرخان شوکت زیباری

ظاهراً، نتیجه این است که ایالات متحده حتی پس از خروج نیروها در تاریخ تعیین شده نیروی نظامی حاکم در عراق باقی خواهد ماند، و به ویژه نیروی هوایی.

با این وجود، روزنامه تایمز روز یکشنبه پرده از طرح های فوری واشینگتن برداشت و اعلام کرد که ایالات متحده پس از خارج ساختن نیروهایش از عراق برای جنگی گسترده تر در منطقه آماده می شود.

اهداف تازه برای تجاوزات آمریکا عبارتند از ایران و سوریه. بیانیه بارک اوباما پس از مرگ ناهنجار رهبر لیبی، معمر قذافی در 20 اکتبر 2011 حاوی تهدید کمابیش آشکار سوریه بود که در تیر رس ایالات متحده و ناتو واقع شده و تعویض رژیم مشابهی در انتظار سوریه نشسته است.

جدی گرفتن چنین تهدیداتی در واکنش بشارالاسد منعکس شد که روز یکشنبه طی مصاحبه ای در روزنامه بریتانیایی تلگراف منتشر شد. رئیس جمهور سوریه اخطار داد که مداخله غرب در سوریه موجب آن چنان «زمین لرزه» ای خواهد شد که تمام منطقه را به لرزه خواهد انداخت و آن را «به ده ها افغانستان تبدیل خواهد کرد.»

سازمان ملل متحد مرگ 3000 نفر را طی ناآرامی هایی که از تاریخ مارس گذشته آغاز شد، تخمین زده است. دولت سوریه نیز مرگ 1100 سرباز و پلیس را که در رویارویی با تیراندازان ضد دولتی کشته شده اند، اعلام کرد.

تعیین سوریه به عنوان آماج خشونت به معنای پیش درآمد جنگی وسیعتر علیه ایران است که واشینگتن آن را به عنوان یکی از رقبای اصلی خود در دو منطقه استراتژیک غنی از دیدگاه انرژی در خلیج فارس و آسیای مرکزی می داند.

پس از فقدان موفقیت در دو جنگ فوق العاده خونبار و پر هزینه طی دهه اخیر – در افغانستان و در عراق – برای حفظ قدرت در این مناطق، امپریالیسم آمریکا به هیچ عنوان از شکار اهدافش بازپس نمی نشیند. شکست در دو جنگ، در واقع به تحریک جهش باز هم قوی تری در او برای برپا کردن سومین جنگ دامن می زند، و این بار به ایران چشم طمع دوخته است.

واشینگتن در پی ایجاد یک استراتژی تشدید تحریکات علیه رژیم ایران است که اخیرا تلاش کرد تا «توطئه تروریستی» غیر محتمل را مطرح کند که گویی تهران در تبانی با یک گروه تبهکار و فروشنده مواد مخدر در مکزیک بوده که قتل سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده را طرح ریزی کرده بودند. هم زمان، دیپلمات های آمریکایی اروپا را در هم نوردیدند تا بانک مرکزی ایران را کلید بزنند، یعنی محاصره اقتصادی عجولانه که به معنای جنگ خواهد بود.

تایمز می نویسد: «با توجه به تهدیدی که روی ایران تمرکز یافته، دولت در پی گسترش پیوندهای نظامی اش با شش کشور شورای همکاری خلیج است (عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان). و اضافه می کند که کاخ سفید و پنتاگون «در تلاش هستند تا ساخت و ساز امنیتی نوینی برای خلیج فارس ایجاد کنند که شامل گشتی های هوایی و دریایی و دفاع ضد موشکی می باشد.»

به عبارت دیگر، واشینگتن در تلاش است تا پیوندهای ضد ایرانی و ضد انقلاب مسلح در همکاری با آمریکا را با همکاری ارتجاعی ترین رژیم های سلطنتی منطقه تحقق

بخشد. براین اساس هر جنبش توده ای در کشورهای عربی آماج همین پیوند نظامی قرار خواهد گرفت، به همان شکلی که امارات در رابطه با توده های بحرینی وارد عمل شد، و علیه ایران یک پایگاه نظامی در اختیار ایالات متحده گذاشت.

بر اساس گزارش تایمز، تمهیدات به مرحله پیش رفته ای رسیده و نتایج مذاکرات مربوط است به تجهیزات نیروهای جنگی ایالات متحده که در کویت مستقر خواهد شد: «در روزهای آینده آماده خواهد شد».

تردیدی وجود ندارد که نگرانی اصلی واشینگتن مرتبط است به ثبات کشورهای هم پیمان در خلیج فارس. عربستان سعودی، شاه کلید استراتژی ضد انقلابی آمریکا در منطقه، ناآرامی هایی را به خود دید که در شرق کشور و در منطقه ای به وقوع پیوست که تولید کننده نفت بوده و ساکنان آن نیز غالباً شیعه مذهب هستند.

[...]

ولی نکته مهم دیگر ناآرامی در خود ایالات متحده است که به شکل اشغال وال استریت بروز کرد و به تمام کشور گسترش یافت. رهبران آمریکایی ماجراجویی نظامی نوین را شیوه ای برای منحرف کردن اختلافات طبقاتی می دانند که در خود آمریکا در حال اوج گیری است.

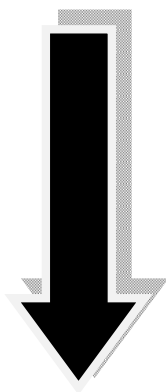
Article original, [WSWS](http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=27474), paru le 31 octobre 2011

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=27474>

مترجم : برای یادآوری

یادآوری مقاله زیر را بیشتر به این دلیل ضروری دانستم تا نشان دهم که طرح های آمریکا برای استقرار نیروهایش در خلیج فارس و همکاری با کشورهای ارتجاعی منطقه خلیج فارس تازگی ندارد و از گذشته های کمابیش دور طرح ریزی شده است.



گاهنامه هنر و مبارزه

19 می 2011



تولد ارتش سری برای مداخله در خاور میانه و افریقا در امارات متحده عربی

نوشته مانلیو دینوچی

ترجمه از فرانسه به فارسی توسط حمید محوی



Mondialisation.ca, Le 18 mai 2011



«زاید» شهرک نظامی، در منطقه ای صحرائی در امارات متحده عربی، یک اردوگاه آموزش نظامی است که در آن یک ارتش سری در حال تکوین می باشد. این ارتش سری نه تنها در داخل این کشور بلکه در کشورهای دیگر در خاورمیانه و آفریقای شمالی نیز به خدمت گرفته خواهد شد.

اریک پرنس(1) بنیانگذار این ارتش خواهد بود، او کوماندوی سابق یگان ویژه نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا است که در سال 1997 شرکت «بلاک واتر» (2) را ایجاد کرد. «بلاک واتر» بزرگترین شرکت نظامی خصوصی است که توسط پنتاگون در عراق مورد استفاده قرار گرفته است.



این شرکت خصوصی که در سال 2009 «دهمین سرویس» (3) نامیده شده است، (در عین حال به این دلیل که به خاطر کشتار غیرنظامیان عراقی از پی گرد قانونی در امان بماند) در ایالات متحده آمریکا یک اردوگاه بزرگ آموزشی در اختیار دارد که در آن جا بیش از 50 هزار متخصص امور نظامی و نیروی فشار تربیت کرده است. در حال حاضر در پی ایجاد اردوگاه های جدید است.



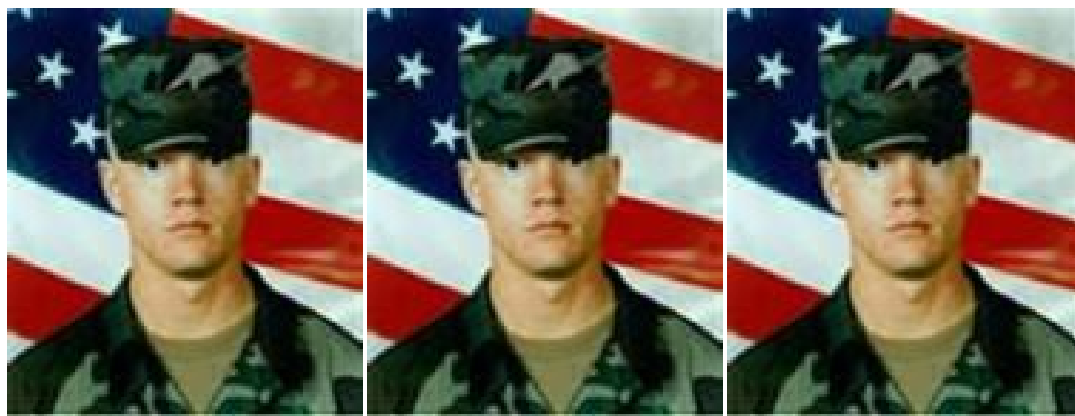
در ابوظبی، اریک پرنس بی آن که مستقیماً عمل کند از طریق شرکای دیگر نخستین قرارداد را از آن خود ساخت که حجم آن معادل 529 میلیون دلار

است(اصل قرارداد به تاریخ 13 ژوئیه 2010 صورت گرفته که هم اکنون توسط نیویورک تایمز منتشر شده است).



1) Erick Prince

بر این اساس در کشورهای مختلف نیز شروع به استخدام مزدوران کرده است (افریقای جنوبی، کلمبی و غیره...)، هدف اولیه تشکیل یک یگان جنگی 800 نفری است. آنها در امارات متحده عربی توسط مشاورانی که متعلق به نیروهای ویژه و سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان هستند آموزش می بینند. مزدوران بین 200 تا 300 هزار دلار در سال حقوق می گیرند و مبتدیان 150 دلار در روز. وقتی که توان عملیاتی یگان نظامی در « عملیات واقعی» به اثبات رسید، ابو ظبی با میلیاردها دلاری که در اختیار دارد هزینه مالی یک بریگاد تمام عیار متشکل از چندین هزار مزدور را به عهده خواهد گرفت. پیش بینی کرده اند که در امارات متحده عربی بر اساس الگوی آمریکایی، اردوگاه آموزشی جدیدی بنا کنند.



پشتیبان اصلی این طرح شاهزاده وارث ابوظبی شیخ محمد بن زاید آل نهیان است که در آکادمی نظامی بریتانیا «سائدهورست» (4) آموزش دیده و آدم مورد اطمینان پنتاگون است که پیش از این یک عملیات نظامی نیز علیه ایران انجام داده است. با این وجود شاهزاده و دوست او اریک پرنس بی گمان تنها مجریان طرح هایی هستند که مقامات بالای واشینگتن تصمیم می گیرند. هدف واقعی او در پرونده هایی که نیویورک تایمز منتشر کرده مطرح شده است : ارتشی که در امارات در شرف شکل گیری می باشد «مأموریت های عملیاتی ویژه برای سرکوب شورش های داخلی، مشابه به آن چه امسال در جهان عرب به وقوع پیوسته است».



ژنرال شیخ محمد بن زاید آل نهیان

ارتش مزدور برای سرکوب شورش های مردمی در رژیم های سلطنتی خلیج، با مداخلاتی مانند آن چه در ماه مارس توسط یگان های امارات، قطر و عربستان سعودی در بحرین صورت گرفت و تظاهرات مردم برای دموکراسی در خون سرکوب شد. «مأموریت های عملیات ویژه» توسط ارتش سری در کشورهایی مانند مصر و تونس برای سرکوب جنبش های مردمی انجام خواهد گرفت و هدف این است که دولت هایی قدرت را قبضه کنند که ضامن منافع ایالات متحده و قدرت های بزرگ اروپایی باشند. و در لیبی نیز ایالات متحده و ناتو پیش بینی کرده اند که به عنوان «کمک های بشردوستانه» یگان های اروپایی و عرب بفرستند. در هر صورت و بر اساس هر سناریویی مانند لیبی تقسیم شده به دو (طرابلس و بنغازی) و یا وضعیتی مانند عراق و افغانستان، پس از براندازی حکومت طرابلس، استفاده از این نوع ارتش های سری در برنامه آینده مشخص شده است : که باید مناطق استخراج نفت را که در دست شرکت های آمریکایی و اروپایی است حفاظت کنند، و در شرایطی که دولت تضعیف و تجزیه شده است، مانع دستیازی رقبای شوند. سرویس دهم (بلاک واتر سابق) «راه حل های مبتکرانه ای» را برای خدماتش تبلیغ می کند و به ایالات متحده آمریکا عرضه می دارد.

